



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

آتش بس یا

شیطان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آتش بس با شیطان

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ آتش بس با شیطان
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۶ اشاره
۶ شارع ادیان الهی یکتاست
۶ ادیان الهی مصدق یکدیگرند
۷ ادیان الهی نمی توانند در اصول با یکدیگر تناقض داشته باشند
۷ ماجرای آدم
۷ اشاره
۷ سوره بقره آیات ۳۵ و ۳۶
۷ سوره اعراف آیات ۱۹ تا ۲۷
۸ سوره طه آیات ۱۱۷ تا ۱۲۳
۸ دشمنی با شیطان
۱۰ پاورقی
۱۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

آتش بس با شیطان

مشخصات کتاب

بر گرفته از: سایت بهائی پژوهی

مقدمه

اشاره

از ظهور آیین بهایی به عنوان دینی که ادعای الهی بودن می نماید بیش از دو سده نمی گذرد. این آیین که توسط میرزا حسینعلی نوری ملقب به بهاء الله در سال ۱۲۸۰ هـ ق و پس از اعلام نسخ آیین بابت پایه گذاری گردید، مدعی است که در ادامه ی سلسله ی انبیاء الهی قرار گرفته است و خداوندگار عالم در روزگاران جدید این شریعت بدیع را برای مردمان جهان به ارمغان فرستاده است. در این مقاله دیدگاه بهائیت در مورد شیطان با نگاهی تطبیقی مورد بحث قرار گرفته است: یکی از پیشوایان آیین بهایی، عبدالبهاء "عباس افندی" ملقب به عبدالبهاء فرزند بهاء الله می باشد. وی پس از پدر به پیشوایی جامعه بهاییان رسید... از وی در تبیین و نشر آثار بهایی مکتوبات زیادی در دسترس است و یک پژوهشگر مسلمان بدون بررسی محتوایی آثار او نمی تواند به کنه آموزه های این آیین جدید پی ببرد. آنچه که در مقاله زیر مورد بررسی قرار می گیرد تنها بخشی از یکی از تعالیم وی است که در کتاب مکتوبات توسط جامعه امری به چاپ رسیده است. پیش از آن که به بررسی بخش مورد نظر پردازیم لازم است چند مقدمه را از نظر بگذرانیم:

شارع ادیان الهی یکتاست

همگی معتقدان ادیان الهی بر این باورند که خداوندی حکیم شرایع را فرو فرستاده است. هیچ یک از ادیان الهی به تعدد یا عدم حکمت مصدر شرایع معتقد نیستند. قرآن کریم می فرماید: شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ [۱]. برای شما آیینی مقرر کرد، از همان گونه که به نوح توصیه کرده بود و از آنچه بر تو وحی کرده ایم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه کرده ایم که دین را بر پای نگه دارید و در آن فرقه فرقه مشوید. تحمل آنچه بدان دعوت می کنید بر مشرکان دشوار است. خدا هر که را خواهد برای رسالت خود بر می گزیند و هر که را بدو باز گردد به خود راه می نماید.

ادیان الهی مصدق یکدیگرند

با توجه به مقدمه اول و با توجه به تاریخ انبیاء روشن می گردد که ادیان الهی در طول اعصار همواره با تصدیق دیانت پیشین آمده اند. به کلام دیگر پیامبر جدید همواره دیانت الهی پیش از خود را در دوره زمانی آن صحیح، کامل و خالی از هرگونه کژی و ناراستی دانسته است. در این زمینه قرآن می فرماید: وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ [۲]. و از پی آنها عیسی پسر مریم را فرستادیم که تصدیق کننده توراتی بود که پیش از او فرستاده بودیم و انجیل را که تصدیق کننده تورات پیش از او بود به او دادیم که در آن هدایت و روشنایی بود و برای پرهیزگاران هدایت و موعظه‌ای. و آنزلنا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا

عَلَيْهِ... [۳]. و این کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم تصدیق کننده و حاکم بر کتابهایی است که پیش از آن بوده‌اند...

ادیان الهی نمی‌توانند در اصول با یکدیگر تناقض داشته باشند

نمی‌توان تصور کرد که پیامبری از جانب خداوند بیاید و "آموزه‌های اساسی" پیامبری دیگر که او نیز مبعوث خداوند حکیم است را تکذیب نماید و متناقض آن سخن بگوید. [۴]. لفظ "مصدق" یا همان "تصدیق کننده" که در مقدمه دوم آورده شد، به خوبی ثابت کننده این معناست. با توجه به این سه مقدمه [۵] به بررسی گوشه‌ای از تعالیم جناب عبدالبهاء می‌پردازیم. از جناب ایشان در مجموعه مکاتیب چنین نقل شده است که گفته‌اند: هُوَاللَّهُ خدایان عالمیان عالم انسانی را جَنَّت عدن خلق فرموده اگر صلح و سلام و محبت و وفا چنانکه باید و شاید یابد جَنَّت اندر جَنَّت گردد و جمیع نعمای الهی فراوان و سرور و طرب بی پایان شود و فضائل عالم انسانی آشکار و عیان و پرتو شمس حقیقت از هر سو نمایان گردد ملاحظه کنید که حضرت آدم و سائرین در جَنَّت بودند به مجرد آنکه در جَنَّت عدن در میان حضرت آدم و شیطان نزاعی حاصل گشت جمیع از جَنَّت خارج شدند تا آنکه نوع انسان عبرت گیرد و آگاه شود که نزاع و جدال سبب حرمان است حتی با شیطان لهذا در این عصر نورانی به موجب تعالیم الهی حتی با شیطان نزاع و جدال جائز نه [۶]. ایشان در این آموزه، اولاً در بیان لزوم وجود صلح، سلام و محبت را در میان عالم انسانی به ماجرای هبوط حضرت آدم (ع) اشاره می‌کنند و آن را مایه‌ی عبرت خوانده، درس آن ماجرا را این می‌دانند که نزاع و جدال سبب حرمان است، حتی با شیطان. سپس در بخش دوم فرمایش خویش این نکته را مطرح می‌سازند که در این عصر نورانی حتی با شیطان نبایستی نزاع و جدال نمود. [۷]. در این مقاله تلاش می‌کنیم میزان سازگاری این دو بخش را به تفکیک، با آموزه‌های اسلام از رهگذر آنچه در مقدمه آمد، بسنجیم.

ماجرای آدم

اشاره

در سه جای قرآن کریم به ماجرای حضرت آدم (ع) در بهشت اشاره گردیده است:

سوره بقره آیات ۳۵ و ۳۶

و گفتیم: ای آدم، خود و زنت در بهشت جای گیرید. و هر چه خواهید، و هر جا که خواهید، از ثمرات آن به خوشی بخورید. و به این درخت نزدیک مشوید، که به زمره ستمکاران درآید. (۳۵) پس شیطان آن دو را به خطا واداشت، و از بهشتی که در آن بودند بیرون راند. گفتیم: پایین روید، برخی دشمن برخی دیگر، و قرارگاه و جای برخورداری شما تا روز قیامت در زمین باشد. (۳۶)

سوره اعراف آیات ۱۹ تا ۲۷

ای آدم، تو و همسرت در بهشت مکان گیرید. از هر جا که خواهید بخورید ولی به این درخت نزدیک مشوید که در شمار بر خویش ستم‌کنندگان خواهید شد. پس شیطان آن دو را وسوسه کرد،... و آن دو را بفریفت و به پستی افکند. چون از آن درخت خوردند... پروردگارشان ندا داد: آیا شما را از آن درخت منع نکرده بودم و نگفته بودم که شیطان به آشکارا دشمن شماست؟... ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبد، هم چنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون راند،... ما شیطانها را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.

سوره طه آیات ۱۱۷ تا ۱۲۳

گفتیم: ای آدم، این دشمن تو و همسر توست، شما را از بهشت بیرون نکند، که نگویند شوی که تو در بهشت نه گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی. و نه تشنه می‌شوی و نه دچار تابش آفتاب. شیطان وسوسه‌اش کرد و گفت: ای آدم، آیا تو را به درخت جاویدانی و ملکی زوال ناپذیر راه بنمایم؟ از آن درخت خوردند و... بنا بر آنچه آمد، اگر بخواهیم این ماجرا را از زبان قرآن بشنویم و از آن عبرت بگیریم، نقل قرآن این چنین است: خداوند متعال اولاً به حضرت آدم (ع) تذکر می‌دهد شیطان دشمن وی است. فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِزَوْجِكَ أَمَا شَيْطَانُ بَا حِيلَهْ غَرَى وَ دَرُوعِ جَنَابِ آدَمِ وَ حَوَا رَا فَرِيبَ مِیْ دَهْدُ فَوْشُوسَ لَهْمَا الشَّيْطَانُ. سپس خداوند چنین خطاب می‌کند: نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَقَلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ وَ در پی آن، ذکر هبوط آدم به زمین می‌شود. سپس خود خداوند خطاب به فرزندان آدم می‌کند و آنان را از شیطان تحذیر می‌کند یا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ این درسنامه ای است که قرآن در آن ماجرا برای فرزندان آدم تدریس می‌نماید. واقعیت این است که در کلام قرآن، سبب این حرمان، نزاع و جدال جناب آدم با شیطان نیست بلکه به عکس، پذیرش سخن اوست که مایه ی آن شده است. لذا خداوند بعد از این اتفاق، یادآوری می‌کند که "مگر من نگفته بودم که او دشمن آشکار شماست"؟ روشن است که گزارش و درسنامه جناب عبدالبهاء به هیچ روی قابل جمع با گفتار قرآن نیست.

دشمنی با شیطان

اما در مورد بخش دوم سخن ایشان که در این عصر جدید دشمنی را حتی با شیطان جایز ندانسته اند، مناسب است ابتدا نگاهی به محتوای آموزه های اسلام در این مورد بیان‌داریم. در قرآن مکرراً خطابهای گوناگونی را می‌یابیم که گروه های مختلف جامعه بشری را در مورد دشمنی شیطان و لزوم پرهیز از او خبر می‌دهد: ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید، و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. [۸]. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآید، و گامهای شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. [۹]. و [نیز] از دامها، حیوانات بارکش و حیوانات کرک و پشم دهنده را [پدید آورد]. از آنچه خدا روزیتان کرده است بخورید، و از پی گامهای شیطان مروید که او برای شما دشمنی آشکار است. [۱۰]. [یعقوب] گفت: «ای پسرک من، خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند، زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است. [۱۱]. و داخل شهر شد بی‌آنکه مردمش متوجه باشند. پس دو مرد را با هم در زد و خورد یافت: یکی، از پیروان او و دیگری از دشمنانش [بود]. آن کس که از پیروانش بود، بر ضد کسی که دشمن وی بود، از او یاری خواست. پس موسی مشتی بدو زد و او را کشت. گفت: «این کار شیطان است، چرا که او دشمنی گمراه کننده [و] آشکار است.» [۱۲]. و اگر تو را تکذیب کنند، قطعاً پیش از تو [هم] فرستادگانی تکذیب شدند. و [همه] کارها به سوی خدا بازگردانیده می‌شود. ای مردم، همانا وعده ی خدا حقّ است. زنهار تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد، و زنهار تا [شیطان] فریبنده شما را در باره ی خدا نفریبند. در حقیقت، شیطان دشمن شماست، شما [نیز] او را دشمن گیرید. [او] فقط دار و دسته خود را می‌خواند تا آنها از یاران آتش باشند. کسانی که کفر ورزیده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت. و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. [۱۳]. و در صور دمیده خواهد شد، پس به ناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می‌آیند می‌گویند: «ای وای بر ما، چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟ این است همان وعده ی خدای رحمان، و پیامبران راست می‌گفتند.» [باز هم] یک فریاد است و بس و بناگاه همه در پیشگاه ما حاضر آیند. امروز بر کسی هیچ ستم نمی‌رود، جز در برابر آنچه کرده‌اید پاداشی نخواهید یافت. در این روز، اهل بهشت کار و باری خوش در پیش دارند. آنها با

همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تختها تکیه می‌زنند. در آنجا برای آنها [هر گونه] میوه است و هر چه دلشان بخواهد. از جانب پروردگار [ی] مهربان [به آنان] سلام گفته می‌شود. و ای گناهکاران، امروز [از بی گناهان] جدا شوید. ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را بپرستید، زیرا وی دشمن آشکار شماست؟ و اینکه مرا بپرستید این است راه راست! [۱۴]. و هنگامی که [در مورد] پسر مریم مثالی آورده شد، به ناگاه قوم تو از آن [سخن] هلهله در انداختند [و اعراض کردند]، و گفتند: «آیا معبودان ما بهترند یا او؟» آن [مثال] را جز از راه جدل برای تو نزدند، بلکه آنان مردمی جدل پیشه‌اند. [عیسی] جز بنده‌ای که بر وی منت نهاده و او را برای فرزندان اسرائیل سرمشق [و آیتی] گردانیده‌ایم نیست. و اگر بخواهیم قطعاً به جای شما فرشتگانی که در [روی] زمین جانشین [شما] گردند قرار دهیم. و همانا آن، نشانه‌ای برای [فهم] رستاخیز است، پس زنهار در آن تردید مکن، و از من پیروی کنید این است راه راست! و مبادا شیطان شما را از راه به در برد، زیرا او برای شما دشمنی آشکار است. و چون عیسی دلایل آشکار آورد، گفت: «به راستی برای شما حکمت آوردم، و تا درباره‌ی بعضی از آنچه در آن اختلاف می‌کردید برایتان توضیح دهم. پس، از خدا بترسید و فرمانم ببرید.» در حقیقت، خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را بپرستید این است راه راست. [۱۵]. و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «آدم را سجده کنید»، پس [همه] -جز ابلیس- سجده کردند، که از [گروه] جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید. آیا [با این حال]، او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید، و حال آنکه آنها دشمن شما هستند؟ و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند. [۱۶]. امیر المومنین (علیه السلام) در تبیین این دشمنی شیطان می‌فرماید: پس، از دشمن خدا (شیطان) بترسید، که، مبادا شما را به درد خود گرفتار سازد و با ندایش شما را نگران کند و با لشکریان سواره و پیاده خویش اطرافتان را فرا گیرد، به جان خودم سوگند که تیر شَرش را برای جان شما به چله کمان نهاده و آن را به جانب شما سخت کشیده و از نزدیک شما را هدف قرار داده و گفته است: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَعُوذُ بِكَ لِمَا أُرِيَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلِأَعُوذَنَّهُمْ» او، بی‌اندیشه از آینده‌ی دور غیب‌گویی کرده، و با پنداری غیر واقع‌سنگ انداخته است و فرزندان نخوت و برادران عصیبت، و سواران گردنکش و جاهلیت او را تصدیق کردند، تا این که سرکشهای شما از او پیروی کردند، و حرص و طمع او، در شما پا بر جا شد، پس راز نهان آشکار شد و تسلط او بر شما قوت یافت و سپاه خود را به سوی شما نزدیک آورد و لشکریان وی شما را در غارهای ذلت و خواری جا دادند و در گودالهای مرگ انداختند، و با زخمهای سنگین که از نیزه زدن در چشمها و بریدن گلوها و کوبیدن بینی‌ها و انداختن در قتلگاهها، در شما ایجاد کردند پایمالتان ساختند، چرا که اراده داشتند شما را با حلقه‌های مهار قهر و خشم که در بینی می‌نهند به سوی آتشی که برایتان آماده شده است بکشانند. بنابراین شیطان برای زخم زدن در دین شما بزرگتر و به علت آتش افروختن در دنیای شما افزون‌تر از کسانی است که شما آشکارا با آنها دشمنید و بر آنان حمله می‌کنید، پس شدت خود را علیه او، و سعی و کوششتان را به منظور دفع او به کار برید، به خدا سوگند که او بر اصل و ریشه شما فخر و مباهات کرد و در قدر و منزلت شما نکوهش وارد ساخت، و بر نسب شما ایراد گرفت و سواران خود را برای حمله بر شما گسیل کرد و با پیادگان خود، راه شما را بست. آنان در هر جا شما را شکار کرده و به دام می‌اندازند و سرانگشتان را می‌زنند، و با هیچ چاره‌جویی نمی‌توانید سر، باز زنید و با هیچ اراده‌ای نمی‌توانید شَرشان را از خود دفع کنید، در حالی که شما در انبوه بیچارگی و خواری و تنگاتنگ مرگ و جولانگاه بلا و سختی گرفتارید... [۱۷]. بنا بر نمونه‌هایی که ذکر شد، میتوان به یقین گفت که از آغاز خلقت، خداوند متعال دشمنی شیطان را گوشزد کرده است و از او پرهیز داده است فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِزْوَجِكَ پس از آدم (ع) به فرزندان او نیز این تذکر را داده است، یا بنی آدم لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ این واقعیت در اعصار بعدی نیز یادآوری می‌شود: در عهد حضرت موسی (ع) قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ در عهد حضرت یوسف (ع) إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ در عهد حضرت مسیح (ع) وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ در دیانت حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ لذا در همه‌ی ادیان الهی این تعلیم قطعی است

که شیطان دشمن بنی آدم است و خدا از او پرهیز داده است. این پرهیز به گونه ای است که در روز قیامت، خداوند متعال به مجرمین عتاب میکند که "مگر من با شما عهد نکرده بودم که شیطان دشمن شماست"؟ و به این گفتار، تاثیر مستقیم بی توجهی به دشمنی شیطان در هلاک و شقاوت مجرمین را نشان میدهد. بنابر این یک مسلمان قائل به تمام شدن این دشمنی نمی تواند باشد و البته که استمرار این دشمنی طبق اعتقادات بهایان هم نمی تواند متوقف شده باشد و مورد قبول است. در کلمات جناب باب نقل شده است که: یا عباد الرحمن ادخلوا فی هذا الباب كافةً ولا تتبعوا خطوات الشیطان فانه یامرکم بالشک والفحشاء وانه قد کان لکم عدواً مبیناً [۱۸]. و نیز از جناب بهاء الله نقل شده است: طوبی لمن سمع نداء الرحمن و اتخذ لنفسه معیناً و یل لمن اعرض و کان عن شطر القرب بعیداً. یا قوم اتقوا الله و لا تتبعوا الهدی کفر بالرحمن انه کان لکم عدواً مبیناً [۱۹]. حال با توجه به این تداوم دشمنی، مساله ای که به ذهن متبادر می شود این است که در مقابل این دشمن آشکار بایستی چه کرد؟ دشمنی با او که خداوند از ما خواسته است (فاتخذوه عدوا) چگونه محقق می گردد؟ جواب این پرسش در فهم بهتر آموزه ی جناب عبدالبها بسیار تاثیر گذار است. آنچه در جواب به نظر می آید این است که دشمنی کردن با شیطان همان اطاعت از خداوند متعال است و اطاعت از فرامین خداوند همان دشمنی با شیطان و به جز با تبعیت تام از دستورات خداوند و در مقابل عدم تبعیت از شیطان راه دیگری برای دشمنی کردن با او وجود ندارد. مساله ای که حتی در متون بهایی نیز قابل مشاهده است: قل یا قوم اذکرکم لوجه الله و ما ارید منکم جزاء ان اجری الا علی الله الهدی فطرنی و بعثنی بالحق و جعلنی ذکراً للخلائق اجمعین. ان اسرعوا الی منظر الله و مقره و لا تتبعوا الشیطان فی انفسکم انه یامرکم بالبغی و الفحشاء و یمنعکم عن الصیراط الّذی نصب فی العالم بهذا الامر المبرم الحکیم [۲۰]. ان الّذین ضیعوا الامر و توجهوا الی الشیطان اولئک لعنهم کلّ الاشیاء و اولئک اصحاب السّعیر [۲۱]. کن مستقیماً علی حبّ الله علی شأن لا یمنعک نعاق کلّ شیطان رجیم. انه یلهم اولیائه کما لهم فی القرون الاولی تجنّب عنه و توکل علی الغفور الکریم [۲۲]. در انتها سوالی که بایستی پرسید این است که بر اساس این آموزه ی نوین چگونه با این دشمن آشکار می توان نزاع [۲۳] و دشمنی نکرد و در عین حال از دستورات خدا پیروی کرد؟ قضاوت با خوانندگان... خلاصه کلام اینکه: از ماجرای هبوط حضرت آدم، اگر نتیجه نگیریم که ترک جدال با شیطان سبب حرمان شد، دست کم می توان نتیجه گرفت که جدال با شیطان سبب حرمان نبوده است. در مورد تعلیم جدید دیانت بدیع نیز بایستی اذعان داشت، آموزه ترک نزاع و جدال با شیطانی که همه ی انبیاء از خطر او پرهیز داده اند، نه با آموزه ادیان الهی به راحتی قابل جمع است و نه با متون بهایی.

پاورقی

- [۱] قرآن کریم، شوری ۱۳.
- [۲] قرآن کریم، مائده ۴۶.
- [۳] قرآن کریم، مائده ۴۸.
- [۴] تذکر به این نکته لازم است که این سخن را نبایستی با نسخ شریعت متاخر و آیین عبادت پیشین خلط کرد. در هنگام وضع شیوه عبادت در آیین جدید، اصول اعتقادی دیانت پیشین، وقایع تاریخی، آموزه های فطری و مسائل ثابتی از این دست، تغییری نمی یابند و تنها شیوه عبادت خدا تغییر می یابد.
- [۵] این سه مقدمه، مورد تصدیق بهایان نیز می باشد، شوقی افندی در صفحه ی ۳۲ کتاب دور بهایی می نویسد: "تعالیم این ظهور به قدر رأس شعره‌ای از حقایق مودوعه درشرایع قبل انحراف نداشته و عظمت این ظهور به قدر خردلی از نفوذ و روح ایمانی که آن ادیان به وجود آورده‌اند نمی کاهد. آئین بهائی... منظور حقیقی و مقصد اصلیش آن است که اساس این ادیان را اتساع بخشیده مبادی آنان را احیا کرده مقاصد و اهداف آنان را به یکدیگر مرتبط ساخته حیات آنان را نشئه‌ای بدیع بخشیده وحدت آنان را ثابت

و محقق داشته پاکی و صفای اولیّه ی آنانرا تجدید کرده و وظائف آنان را به یکدیگر مرتبط ساخته و آنان را در تحقق اعظم نوایای خود کمک و مساعدت نماید". همچنین دکتر اسلمنت در کتاب بهاء الله و عصر جدید ص ۹۱ از عبدالبهاء نقل می کند: "اگر ما درباره ی ادیان تحقیق کنیم تا مبادی مکنونه در اصول اساسی آنها را کشف نمائیم ملتفت خواهیم شد که همه توافق دارند زیرا حقایق اصلیّه ی آنها یکی است و متعدّد نیست". یا در صفحه ۱۳۹ می نویسد: "حضرت بهاء الله... از پیروان هر یک از ادیان دعوت می فرمایند نه تنها الهام الهی را نسبت به پیغمبر خود انکار نکنند بلکه آن را در مورد همه ی پیغمبران تصدیق نمایند و اذعان کنند که تعالیم همه ی آنها از جهت اصول با هم موافق بوده...".

[۶] افندی، عباس: مکاتیب عبدالبهاء جلد ۴، ص ۱۵۰.

[۷] کلیت این آموزه در دیانت بهایی، یکی از دوازده تعلیم اساسی به شمار می رود که از آن تحت نام "وحدت عالم انسانی" یاد می شود پژوهش بیشتر در مورد ابعاد این تعلیم مجالی دیگر می طلبد.

[۸] بقره (۱۶۸).

[۹] بقره (۲۰۸).

[۱۰] انعام (۱۴۲).

[۱۱] یوسف (۵).

[۱۲] قصص (۱۵).

[۱۳] فاطر ۴-۷.

[۱۴] یس ۵۱-۶۱.

[۱۵] زخرف ۵۷-۶۴.

[۱۶] کهف (۵۰).

[۱۷] سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ (معروف به خطبه قاصعه).

[۱۸] شیرازی، علی محمد؛ منتخب آیات ص ۳۸.

[۱۹] نوری، میرزا حسینعلی؛ آثار قلم اعلی ج ۱ ص ۲۷۸.

[۲۰] نوری، میرزا حسینعلی؛ آثار قلم اعلی ج ۱ ص ۲۳.

[۲۱] نوری، میرزا حسینعلی؛ آثار قلم اعلی ج ۱ ص ۸۰.

[۲۲] نوری، میرزا حسینعلی؛ آثار قلم اعلی ج ۲ ش ۴۶.

[۲۳] کلمه ی "نزاع" در لغت دقیقاً به معنای دشمنی و خصومت آمده است (فرهنگ لغت المنجد).

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۹ IR
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

